

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۶ اردیبهشت ۱۳۹۹

مصادف با: ۱ رمضان ۱۴۴۱

جلسه: ۴۰

موضوع کلی: فصل فی أحكام الجبائر

موضوع جزئی: حکم جبیره غیر متعارف

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

مرحوم آیت الله خویی (ره) در رابطه با موردی که امکان برداشتن جبیره ممکن نیست وجوهی را تصویر کرد. یکی از آن وجوه این بود که شخص، متمکن از برداشتن جبیره‌ای که بیشتر از مقدار متعارف را فرا گرفته است، نیست و این عدم امکان به خاطر ضرری است که متوجه خود جراحت و زخم می‌شود. ایشان فرمود که در این صورت وظیفه شخص این است که تیمم کند چون اخبار وارده در باب مسح بر جبیره، به موردی اختصاص دارند که غسل برای جراحت ضرر دارد، اما این اخبار ضرری را که از ناحیه برداشتن جبیره و شستن موضع صحیح و سالم است، شامل نمی‌شوند بنابراین، در فرض مذکور، چون ضرری که متوجه جراحت می‌شود از ناحیه غسل جراحت نیست، وظیفه شخص این است که تیمم کند.

مرحوم آیت الله خویی (ره) برای کلام خود به روایت حلبی [عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ بِهِ الْقَرْحَةُ فِي ذِرَاعِهِ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ مِنْ مَوَاضِعِ الْوُضُوءِ فَيَعْصِيهَا بِالْخِرْقَةِ وَيَتَوَضَّأُ وَيَمْسَحُ عَلَيْهَا إِذَا تَوَضَّأَ؛ فَقَالَ: «إِنْ كَانَ يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَمْسَحْ عَلَى الْخِرْقَةِ وَإِنْ كَانَ لَا يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَنْزِعِ الْخِرْقَةَ ثُمَّ لْيَغْسِلْهَا» قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُرْحِ كَيْفَ أَصْنَعُ بِهِ فِي غَسْلِهِ؟ قَالَ: «اغْسِلْ مَا حَوْلَهُ»^۱.] تمسک کرد و فرمود که این روایت نیز بر این مطلب دلالت دارد که ضرر باید از ناحیه غسل باشد. لذا در این فرض نیز حکم این است که شخص باید تیمم کند و اصل اول در هر موردی که دلیلی بر مسح بر جبیره نباشد، این است که تیمم شود، هر چند که مطابق با احتیاط این است که شخص هم وضوی جبیره‌ای بگیرد و هم تیمم کند.

در پاسخ از کلام مرحوم آیت الله خویی (ره) عرض می‌شود که اگر جمود بر روایات شود، شاید فرمایش ایشان درست باشد، لکن فرض مورد بحث در موردی است که رفع جبیره نسبت به مقدار زایدی که صحیح و سالم است و زیر جبیره قرار گرفته است، ممکن نیست، بنابراین، چاره‌ای جز مسح بر جبیره نیست و در رابطه با اینکه در روایت آمده است «وَ إِنْ كَانَ لَا يُؤْذِيهِ الْمَاءُ...»، عرض می‌شود که در حقیقت آب به جراحت ضرر می‌رساند، هر چند که این ضرر به صورت غیر مستقیم باشد لذا اینکه به صورت قطعی گفته شود که در فرض مذکور، وظیفه شخص این است که تیمم کند، صحیح نیست، هر چند که مرحوم آیت الله خویی (ره) در پایان، قول به احتیاط را نیز مطرح کرده است. نظر مختار، همانند نظر مرحوم سید (ره)، قول به احتیاط و جمع بین وضوی جبیره‌ای و تیمم است چون شخص علم اجمالی دارد به اینکه وظیفه‌اش مسح بر جبیره است یا تیمم است و مقتضای احتیاط، جمع بین این دو است.

۱. شیخ حر عاملی، و مسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۹، ص ۴۶۳، ح ۲.

مسئله ۶۰۱: «فی الجرح المكشوف إذا أراد وضع طاهر عليه و مسحه يجب أولاً أن يغسل ما يمكن من أطرافه ثم وضعه»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، در جراحاتی که مکشوف است و روی آن باز است، اگر شخص بخواهد پارچه پاکی روی آن بگذارد و بر آن مسح کند، واجب است که اولاً اطراف آن زخم مکشوف را که امکان شستن دارد، بشوید و بعد پارچه پاک را روی آن بگذارد و بر آن مسح کند.

دلیل حکم مذکور، این است که غسل اطراف جراحاتی که مکشوف است، لازم است تا به شستن آنچه که بر شخص واجب است، یقین شود و یقین شود که شخص، مأمور به را اتیان کرده و به وظیفه اش عمل کرده است. بنابراین، شخص باید نخست اطراف جراحات را بشوید و سپس پارچه پاکی بر روی زخم بگذارد و بر آن مسح کند. همچنین، اگر شخص نخست پارچه را روی زخم بگذارد و سپس هنگام شستن اطراف زخم، پارچه را بردارد؛ به گونه ای که برای او ممکن باشد که اطراف زخم را بشوید، مشکلی ندارد.

بنابراین، شستن اطراف زخم به دو صورت محتمل است؛ صورت اول، اینکه شخص، نخست اطراف زخم مکشوف را بشوید و سپس پارچه پاکی روی زخم بگذارد و بر آن مسح کند و صورت دوم، اینکه شخص، نخست پارچه پاکی روی زخم مکشوف بگذارد و بر آن مسح کند، لکن می تواند در حالی که پارچه روی زخم است، اطراف زخم را که زیر پارچه است، بشوید که در هر دو صورت مشکلی ایجاد نمی شود.

مسئله ۶۰۲: «إذا أضرّ الماء بأطراف الجرح أزيد من المقدار المتعارف يشكل كفاية المسح على الجبيرة التي عليها أو يريد أن يضعها عليها، فالأحوط غسل القدر الممكن و المسح على الجبيرة ثم التيمم و أمّا المقدار المتعارف بحسب العادة فمغتفر»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر آب به اطراف جراحاتی که [آن اطراف] بیشتر از مقدار متعارف باشد، ضرر بزند، مشکل است که به کفایت مسح بر جبیره حکم شود، چه جبیره از ابتدا وجود داشته باشد و بعد شخص بخواهد بر آن مسح کند و چه بعداً جبیره را بگذارد و بخواهد بر آن مسح کند [بنابراین، مسح بر جبیره کافی نیست]، پس احتیاط این است که شخص مقداری را که امکان شستن آن هست، بشوید و [نسبت به مقداری که شستن آن امکان ندارد] بر جبیره مسح کند و سپس تیمم کند، اما اگر اطراف جراحاتی که آب برای آن ضرر دارد به مقدار متعارف باشد، بخشیده شده است [، یعنی مسح بر جبیره کافی است و وضو صحیح است].

مرحوم آیت الله خویی (ره) مثالی زده است و فرموده است که اگر جراحات در انگشت باشد و شخص بخواهد ساعد را بشوید و استعمال آب برای شستن ساعد به جراحاتی که در انگشت است، ضرر بزند، در این صورت [که اطراف جراحات، یعنی ساعد غیر متعارف است و فاصله آن تا انگشت زیاد است]، مسح بر جبیره کافی نیست چون اخبار وارد شده در رابطه با جبیره بر کفایت مسح بر جبیره ای دلالت دارند که جراحات در مواضع وضو باشد که رسیدن آب به آن ضرر داشته باشد، اما این اخبار موضعی را که جراحاتی ندارد و جراحات در موضع دیگری است، لکن رسیدن آب به موضعی که جراحات ندارد، برای جراحات ضرر دارد، شامل نمی شوند. پس اخبار دال بر کفایت مسح بر جبیره فقط شامل موردی می شوند که رساندن آب به خود موضع جراحات ضرر

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. همان، ص ۲۶۱.

داشته باشد و ضرری که از ناحیه شستن اطراف [غیر متعارف]، متوجه موضع جراحت می شود را شامل نمی شوند لذا در این فرض، وظیفه شخص این است که تیمم کند.^۱

بنابراین، نظر مرحوم سید (ره) این شد که در فرض مذکور در مسأله، شخص باید آن مقداری که شستن آن ممکن است را بشوید و نسبت به مقداری که شستن آن امکان ندارد، بر جبیره مسح کند و سپس تیمم کند، ولی مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که در فرض مذکور، وظیفه شخص این است که تیمم کند و وضوی جبیره ای لازم نیست.

البته ممکن است که گفته شود که روایت حلبی که قبلاً به آن اشاره شد [عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ بِهِ الْقَرْحَةُ فِي ذِرَاعِهِ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ مِنْ مَوَاضِعِ الْوُضُوءِ فَيَعْصِبُهَا بِالْخِرْقَةِ وَ يَتَوَضَّأُ وَ يَمْسَحُ عَلَيْهَا إِذَا تَوَضَّأَ؛ فَقَالَ: «إِنْ كَانَ يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَمْسَحْ عَلَى الْخِرْقَةِ وَ إِنْ كَانَ لَا يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَنْزِعِ الْخِرْقَةَ ثُمَّ لْيَغْسِلْهَا» قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُرْحِ كَيْفَ أَصْنَعُ بِهِ فِي غَسْلِهِ؟ قَالَ: «اغْسِلْ مَا حَوْلَهُ»^۲].، اطلاق دارد و این مورد را که ضرر از ناحیه غسل اطراف زخم متوجه زخم می شود را نیز شامل می شود و ضرری که در روایت آمده است مختص ضرری نیست که فقط از ناحیه غسل خود زخم متوجه زخم شود بنابراین، در این فرض نیز شخص نخست اطراف زخم را می شوید و بر جبیره مسح می کند و سپس تیمم می کند.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، موسوعة الإمام الخوئي، ج ۶، ص ۱۶۸.

۲. شیخ حر عاملی، و مسائل الشيعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۹، ص ۴۶۳، ح ۲.